

تحلیل چهره رستم بر اساس شاهنامه در کاشی کاری دوران قاجار

فتانه رحیمی

دانشجوی دکتری گروه تاریخ و باستان شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران

parisarahimi.a@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵)

چکیده

از شاخص‌ترین شخصیت‌های ادبیات حماسی ایران پس از اسلام، رستم در شاهنامه فردوسی بود که در قرن چهارم هجری سروده شد. بخش قابل توجهی از کتاب ارزشمند شاهنامه به شمایل نگاری، مشخصات ظاهری، روحیات و فداکاری‌ها و مبارزات رستم اختصاص یافته است. محبوبیت رستم در بین اقوام مختلفی که در طول تاریخ بر ایران سلطه یافتند کاملاً مشهود بود به طوری که در مکاتب مختلف نگارگری و نقوش کاشی کاری و دیگر هنرها توسط هنرمندان با مشخصات خاصی نقش می‌شده است. اینکه این نقوش چقدر از ابیات شاهنامه نشأت گرفته یا از بستر فرهنگی حاکم بر زمان بوده، پرسشی است که با بررسی شمایل نگاری نقوش رستم در نگارگری و کاشی کاری اسلامی پاسخ داده خواهد شد. از آنجا که پس از اسلام کاشی کاری با بستری گسترده و متنوع در حوزه‌های مختلف رشد کرد و نقوش آن مستقیماً برگرفته از فرهنگ اقوام هم عصرش بود. شیوه گردآوری اطلاعات در مقاله حاضر مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی تصاویر کاشی‌ها و سفال‌های دوره اسلامی است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته می‌توان دریافت که خصوصیات ظاهری و چهره رستم در دوران‌های مختلف پس از سرودن شاهنامه دست‌خوش تغییرات بسیاری شده است. دوره قاجاریه را می‌توان اوج تصویر نمایی نقش رستم با سبکی یکسان بر روی هنر کاشی کاری دانست که هم در بین درباریان یا بین عامه مردم در قهوه خانه‌ها به کار رفته است و در این بین به برخی از داستان‌های رستم مثل نبرد رستم با سهراب، اشکبوس یا دیوسپید بیشتر مطلوب نظر بوده است.

واژگان کلیدی: دوره قاجار، چهره ی رستم، شاهنامه، کاشی کاری

مقدمه

دین اسلام با بستر فرهنگی ناب و منحصر به فردی که در خود داشته به شکوفایی و بالندگی تمام زمینه‌های علم و هنر یاری رسانده است. گسترش دین اسلام باعث رشد و ترقی برخی هنرها مانند معماری مذهبی و تزیینات وابسته بدان مانند کاشی‌کاری شد. این هنرهای تزیینی، علاوه بر جنبه زیبایی شناسانه خویش به جهت انطباق یافتن با مفاهیم اسلامی، در بردارنده پیام و مفاهیمی خاص و بر مبنای اعتقادات و باورهای مسلمانان بود. بنابراین انتشار این اندیشه‌ها و اعتقادات مذهبی به صورت مکتوب در صورت‌های مختلف ظهور یافت و سفال و کاشی نیز یکی از زمینه‌های انتشار، ثبت وقایع، تعلیم و تفکر گردید (موخواه، ۱۳۹۵، ۱۲). صنعت کاشی‌سازی و کاشی‌کاری که بیش از همه در تزیین معماری سرزمین ایران و به طور معمول بناهای مذهبی به کار گرفته شده بود، همانند سفال‌گری دارای ویژگی‌های خاصی شد. این هنر و صنعت از گذشته بسیار دور و از بدو پیدایش در نتیجه مهارت تکنیکی ساخت و ذوق و سلیقه کاشی‌ساز به خاطر خلق نقوش آن بسیار چشمگیر و معروف شد. لذا در روند تحولی تاریخ هنر اسلامی ما شاهد هستیم که هنر کاشیکاری خیلی دیرتر از سایر هنرها به منصفه ظهور رسیده است که هدف کاشی‌ساز از آفرینش چنین آثار هنری، هرگز رفع احتیاجات و کسب درآمد روزمره نبوده، بلکه شناخت هنرمند از زیبایی و ارضای تمایلات عالی انسانی و مذهبی، بعضاً

سیاسی و اجتماعی و گاهی تفکرات شخصی بوده است (بخش آبادی و علی اکبرخانی، ۱۳۹۵). یکی از موضوع‌هایی که در هنر کاشی‌کاری اسلامی بسیار حائز اهمیت است، نقش چهره افراد مشهور (پهلوانان، شاهان، بزرگان و ...) می‌باشد. در این راستا پژوهش حاضر در نظر دارد تا روند چهره پهلوان مشهور شاهنامه، یعنی رستم را در هنر کاشی دوره قاجار مورد مطالعه قرار دهد. رستم به عنوان شخصیتی اسطوره‌ای، جهان پهلوان شاهنامه فردوسی است که به خاطر نبردها و فداکاری‌هایش مظهر میهن پرستی و دفاع از ایران بوده است. لذا شرح زیبا و هنرمندانه جنگاوری‌های او از زبان حکیم طوس، مایه شهرت و بزرگی او در اذهان تمام اقشار مختلف جامعه فارسی زبان اعم از هنرمندان و پژوهشگران شده است و بسیاری از پژوهشگران در مورد شخصیت اسطوره‌ای رستم و داستان نبردها و ریشه خاندانش بحث و تحقیق نمایند (جعفری بورا، ۱۳۹۵). خلیلی محله و همکاران، ۱۳۹۴). در این پژوهش سعی می‌شود که ضمن پرداختن به داستان‌های نبرد رستم به توصیف چهره رستم بر هنر کاشی‌کاری دوره قاجاریه و مقایسه جزئیات چهره‌ای وی با توصیف‌های شاهنامه فردوسی پرداخته شود. لذا در این راستا پرسش‌هایی به شرح زیر مطرح گردید: ۱. آیا چهره رستم در هنر کاشیکاری قاجاری با ابیات شاهنامه قابل تطبیق است؟ ۲. چه داستان‌هایی از شاهنامه، بیشترین کاربرد را در هنر کاشیکاری دوره قاجاری داشته است؟ ۳. چه دلایلی

توصیف‌های طرب انگیز و شاعرانه بیشتر مورد توجه نقاشان قرار داشته تا به تصویر کشیدن جنگ و خونریزی.

در پژوهش دیگری تحت عنوان "بررسی نگاره های رستم از منظر شمایل نگاری از دوره ایلخانی تا کنون" پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی تصویرسازی بهروز شریفی حشمت‌آباد دانشگاه هنر ۱۳۹۴ نویسنده سعی داشته با شناخت روند تغییر چهره رستم در نگارگری سنتی تا امروز الگویی نوین برای طراحی یک سنبل از قهرمان افسانه‌ای با شناسه-های به روز شده را به مخاطبین بشناساند.

در پژوهشی دیگر با عنوان "بازخوانی نقش و جایگاه رستم در کاشی نگاره های عصر قاجار با نگاهی بر سردر گذرگاه ها و بناها و نمونه های واحد" به پژوهش علیرضا بهارلو و مرضیه قاسمی (۱۴۰۰) به بررسی نگاره رستم در آثار معماری و چرایی وجود این نقوش در این اماکن در عصر قاجار پرداخته است.

"مطالعه شمایل شناسانه نبرد رستم و دیو سپید در کاشی نگاره سر درارگ کریم خانی شیراز به روش اروین پانوفسکی" نوشته علی اسدپور (۱۳۹۹) هم بیشتر پژوهش‌گر سعی دارد با بررسی نگاره‌های مبارزه رستم با دیو سفید جنبه‌های فرهنگی و هنری و سیاسی استفاده از این نگاره را با جزئیات موجود مطرح کند.

آقاخانی بیژنی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی و تحلیل نمادشناسی نگاره‌های هفت

باعث ایجاد تغییرات در نگاره رستم در هنر کاشی-کاری بوده است؟ ضرورت انجام این پژوهش بر شناسایی و تغییرات تدریجی نقوش چهره رستم در روند داستان های شاهنامه در کاشی کاری، از ابتدای سرودن شاهنامه تا دوران قاجار و تطبیق این تغییرات بر اساس معیار های توصیفات فردوسی در شاهنامه و نقوش به کار رفته در کاشی کاری قاجار است.

روش پژوهش

روش پژوهش از نوع بنیادی و مبتنی بر رهیافت مستقیم تاریخی به شیوه توصیفی-تحلیلی استوار است و مباحث به صورت میدانی و کتابخانه ای گردآوری شده است.

پیشینه پژوهش

تا امروز پژوهش‌های بسیاری هم درباره هنر کاشی-کاری هم درباره شخصیت‌های شاهنامه خصوصاً رستم انجام شده از جمله پژوهشی تحت عنوان "بررسی و تحلیل ویژگی‌های ساختاری و تصویری هفت‌خوان رستم در نگاره‌های سنتی ایران" پایان-نامه کارشناسی ارشد رشته نقاشی غلامرضا حسنی دانشگاه هنر (۱۳۸۵) که در این تحقیق نویسنده در تلاش بوده است ابتدا به ارتباط بین ادبیات و نقاشی در هنر گذشته ایران بپردازد. سپس با مطالعاتی پیرامون شاهنامه و داستان‌های حماسی آن مخصوصاً تصاویری از هفت‌خوان رستم در مکاتب مختلف نقاشی ایرانی به این نتیجه برسد که توجه به

۱۳۸۳. اسکارچیا، ۱۳۸۴. زابلی نژاد، ۱۳۸۷. نیری شکاری و طاووسی، ۱۳۸۷. جباری و مرثی، ۱۳۹۲. سامانیان و همکاران، ۱۳۹۳). لذا علی‌رغم پژوهش‌هایی که زمینه نقش رستم بر هنر کارشی‌کاری انجام گرفته است هنوز پژوهشی که به تفصیل درباره معیارهای شناسایی شخصیت رستم در کاشی‌های دوران قاجار و روند شکل‌گیری آنها پردازد نگاشته نشده است که در این پژوهش به تفصیل درباره چرایی شکل‌گیری این مشخصه‌ها و روند تغییرات آن پرداخته می‌شود.

معنا و مفهوم نام و شخصیت رستم

رستم پهلوان شاهنامه فردوسی، به عنوان نمادی از قهرمانان و فرماندهان شجاع ایران زمین در تاریخی دور بوده است که به واقع تمامی خصلت‌های ارزشمند انسانی و ایرانی را داراست. رستم دارای شخصیتی نیمه حماسی و نیمه اسطوره‌ای است که ایرانیان با توسل به آن به خود می‌بالند و به عقیده بیوار، سورنا سردار دلیر ایرانی دوره اشکانی دارای شباهت تاریخی نزدیکی با رستم بوده است (بیوار، ۱۳۸۹: ۱۵۲. حمیدیان، ۱۳۷۲: ۲۵۰). نام رستم نخستین بار در درخت آسوریگ ظاهر می‌شود که خاستگاه پارتی دارد. نخستین موردی که از نام رستم با ذکر تاریخ یاد شده، اوستوم ارمنی در سده پنجم میلادی است. در خدای نامگ از اواخر دوره ساسانی به نام رستم اشاره شده است (یارشاطر، ۱۳۸۹: ۵۶۷-۵۶۶). پس از اسلام نیز شاهنامه ابومنصوری، منبع

خان رستم با هدف، تحلیل نمادها در نگاره‌های مصور مربوط به هفت خان رستم، در شاهنامه فردوسی" که به روش پژوهش، توصیفی و تحلیلی دریافتند که در همه نگاره‌ها، نمادهای موجود در داستان هفت خان رستم، در شاهنامه در تصاویر ارائه شده‌اند و رابطه بین تصویر و متن اصلی را برای مخاطب معنادار شده است.

زارعی و حیدری بابا کمال (۱۳۹۵) مضامین هنری و منشا کاشی‌کاری‌های قاجاری تکیه معاون الملک کرمانشاه را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که الگو گرفتن از تصاویر نسخ خطی مصور رجال روشن‌فکر و ملی‌گرای قاجاری مانند جلال‌الدین میرزا قاجار و فرصت‌الدوله شیرازی، منشأ نقوش حماسی و اساطیری داشته که در آن تأثیر هنر ایران باستان به وضوح مشهود است. همچنین مشخص شد که الگوی ایجاد کاشی‌های حماسی منقش تکیه معاون الملک با خانه‌های قاجاری قوام‌السلطنه، مشیرالدوله و اعلم-السلطنه در تهران، حمام سردر گلزار رشت و خانه آرازی قزوین یکی است. منشأ تصاویر مذهبی نیز برگرفته از پرده نقالان، شبیه‌خوانان و کتب چاپ سنگی است و به ویژگی‌های این صنعت و بررسی تکامل این هنر، می‌تواند ضمن شناسایی تاریخ و تمدن ایرانی، در توسعه معاصر این صنعت که در حال حاضر دیگر فعالیت ندارد، کمک کند. همچنین برای اطلاعات بیشتر از هنر کاشی‌کاری قاجاری به این منابع رجوع شود (سیف، ۱۳۷۶. خزائی و طبسی،

می‌باشد (صفا، ۱۳۷۸: ۵۴۹-۵۴۵). سرانجام رستم به دست برادرش کشته می‌شود. بر اساس شاهنامه عمر رستم ششصد سال است که هم‌زمان با چندین پادشاه پیشدادی و کیانی در شاهنامه سپری می‌شود (عفیفی، ۱۳۷۴: ۵۳۰).

بررسی چهره‌ی رستم در شاهنامه

رستم شخصیتی خیالی و خاص است که فردوسی او را با ایده‌آل‌های رفتاری و ارزش‌های ملی ایرانیان می‌پرورد. تصویرگران نیز با خوانش متن شاهنامه این زمینه را برای مخاطبان فراهم می‌کنند تا روایت داستان را هم‌نوا با کلام شاعر بیان نمایند. در این میان تصویرگر با مطالعه‌ی جز به جز توصیف‌های شاعر از شخصیت‌ها می‌تواند پنداشتی کلی از آنها در ذهنش ایجاد نماید. فردوسی در بیت‌های شاهنامه تصویری مشخص از سیما و پیکر رستم نمی‌دهد همین عدم اشاره به خصوصیات مشخص سبب شده تا تصویرگران و نگارگران آزادی عمل داشته باشند. البته در معدود مواردی اشارتی به مشخصات ظاهری، سن و سال و یا آداب معاشرت و بستر فرهنگی بزرگ شده در آن می‌کند. مثلاً بارزترین آنها تن‌پوشی از پوست ببر است که فردوسی، رستم را با آن به کرات وصف می‌کند و در شاهنامه با اصطلاح ببر بیان (پوست ببر وحشی) خوانده می‌شود که به نوعی پوشاک رزم رستم است و او رادر برابر ضربات خطرناک حفظ می‌کرده است. پوشیدن این لباس او را در برابر گزند اهریمن که در پوست گورخر بود،

اساسی شاهنامه فردوسی بوده که فردوسی آن را به نظم در آورده است (آیدنلو، ۱۳۸۳: ۱۱۵). نام رستم برگرفته از دو بخش است: واژه (روی) به معنی رستن و رشد و نمو، واژه (تهم) به معنی قوی، دلیر و بزرگ پیکر (اوشیدری، ۲۹۵، ۱۳۷۱) دکتر کزازی نیز در کتاب نامه باستان، معنای این واژه را بررسی کرده و چنین می‌نویسد: «این نام از دو پاره ساخته شده است: پاره‌ی نخستین آن روت یا رود یا رودی است که در ریخت فرجامین آن در پارسی، رو شده است و پاره‌ی دوم «ستهم» که در پارسی «ستم» از آن مانده است. پاره‌ی نخستین در اوستایی رگوده بوده است به معنی «بالا و قامت» و «ریخت و پیکر» که از آن «روی» در پارسی در معنی چهره؛ بازمانده است و ستهم هم به معنی بدن و پیکر (کزازی، ۱۳۷۶، ۴۵۰-۴۴۹).

رستم عمر طولانی و از عهد منوچهر تا بهمن پسر اسفندیار دارد و در دوران ((گرشاسب)) وارد عرصه شده و با کمک‌های بسیارش به دربار و مردم از جمله رشادت در جنگ‌های با توران و کشتن ابر پهلوانان دشمن، کشتن موجودات خارق‌العاده مانند اژدها و دیو و نجات جان بزرگانی چون کاووس شاه از دست هاماوران بر سر زبان‌ها افتاد. از دیگر اقدامات رستم پروردن سیاوش، گذر از هفت خان، فتح دژ سپند کوه، تاختن به توران برای خون‌خواهی سیاوش، جنگ با برزو و جهانگیر و دیگر سرشناسان و از جمله جنگ با سهراب که به داستانی درام و پایانی تلخ ختم می‌گردد، گوشه‌ای از این اقدامات

ظاهر می‌دهد. اما چنین تغییراتی را در متن شاهنامه نمی‌بینیم.

بدو گفت مردی چو دیو سیاه

پلنگینه جوشن از آهن کلاه (فردوسی، ۱۳۸۰: ۶۸)

یکی مغفری خسروی بر سرش

خوی آلوده ببریان در برش (فردوسی، ۱۳۸۰: ۶۳)

در رابطه با سن رستم؛ وصف‌های فردوسی همه‌ی زندگی رستم از لحظه تولد تا کهنسالی و زمان مرگ را در بر می‌گیرد و سن او را به صورت دقیق مشخص نمی‌کند و در فراز و نشیب زندگی خود داستان‌های حماسی و دارماتیک و عاشقانه و... را از سر می‌گذراند.

برستم همی داد ده دایه شیر

کی نیروی مردست و سرمایه شیر

چو از شیر آمد سوی خوردنی

شد از نان از گوشت افزودنی (فردوسی، ۱۳۸۰: ۹۹)

در هنر نگارگری شاهنامه در دوران متأخر، رستم با ریش دو شاخ به امری رایج و درباری تبدیل شده بود. هر دربار برای موجه جلوه دادن خود، حداقل یک شاهنامه نگارگری شده داشت. در دوره صفوی شاهنامه اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد، به طوری که در این دوره، شاهنامه به عنوان یکی از عوامل انسجام بخش هویت ایرانی در نظر گرفته شد و شاهان صفوی با بهره‌گیری از شاهنامه کوشیدند سند هویتی خویش را به پادشاهان ایران باستان پیوند دهند. بنابراین از دوران صفوی به بعد، نگاشتن شاهنامه در دربار به یک رسم تبدیل شد به گونه‌ای که هر

حفظ کرد (حمیدی، ۱۳۷۵: ۲۰۳). در تصاویر متأخرتر ببر بیان که اصلی‌ترین نقشمایه‌ی رستم در شاهنامه می‌باشد گاه مشاهده نمی‌شود و پوشش رستم به البسه روز حیات هنرمند نزدیک است.

بپوشید ببر و بر آورد یال

برو آفرین خواند بسیار زال (فردوسی، ۱۳۸۰: ۶۲)

در نقوش متأخر نوعی حیوان درنده مانند ببر یا پلنگ بر سر آستین رستم نقش شده که مانند دیگر مشخصات لباس این پهلوان، کاملاً قراردادی بوده و در متن شاهنامه این مطلب عنوان نشده است.

همچنین ابزار جنگی رستم؛ هم اصولاً گریزی با سر گاو شکل می‌باشد که فردوسی در شاهنامه به آن گرز گاوسار می‌گوید. البته این جنگ افزار در دست شخصیت‌های دیگر شاهنامه از جمله فریدون نیز دیده می‌شود.

یکی گرز همچون سر گاومیش

سپاه از پس و نیزه دارانش پیش (فردوسی، ۱۳۸۰: ۴۶۵)

در مورد کلاه خود رستم؛ در بیت‌های شاهنامه کلاهی که رستم بر سر دارد از جنس فلز بوده و تفاوت آشکاری با خودهای جنگ‌آوران دیگر ندارد که در برخی نگاره‌های موجود در نقاشی‌ها، کاشی‌ها و سفال‌های متأخر، سر ببر یا دیو کشته شده به دست رستم است. این نقش‌مایه در طول زمان در نگاره‌ها تغییرات فراوانی را از سر گذرانده است و از یک کلاه خود عادی به مجموعه‌ی دیوی شاخ‌دار تغییر

هرات، اثری از آن دیده نمی‌شود. حتی این ریش دو شاخ در اوایل سلسله‌ی قاجاریه و دوران سلطنت فتحعلی شاه به صورت اغراق شده‌ای بلندتر از حالت‌های قبل کشیده می‌شود. ممکن است این افزایش طول ریش در مقطع زمانی به دلیل ریش خاص خود فتحعلی شاه باشد (رجوع کنید به تصویر ۲۱).

نقش رستم در چه مکان‌هایی استفاده می‌شده است؟

نقش رستم تقریباً در تمامی مکان‌های عام‌المنفعه و عمومی که از ارزش اجتماعی برخوردار بوده‌اند، مانند سر در ورودی ارگ‌ها و دروازه‌های ورودی شهرها، حمام‌ها و ورودی کاخ‌ها و کاروانسراها و ... دیده شده است. از جمله این موارد می‌توان به نقش رستم در حال مبارزه با دیو سفید را در ارگ کریم خانی شیراز، دروازه‌های تهران و شهرهای دیگر مانند سمنان، حمام‌های زیبا از جمله حمام حاج محمد جعفر حج فروش رشت، حمام وزیر کرمان و ... دید. همچنین نمونه‌هایی ارزشمند و زیبا از نقش رستم در کاخ‌های خصوصی و درباری نیز در زمان قاجار به وفور یافت می‌شود. نمونه‌هایی از این موارد در باغ ارم شیراز، باغ عفیف آباد، کاخ گلستان، خانه‌های اربابی و بزرگ مانند خانه عطر فروش شیراز و ... به دست آمده است. در برخی موارد هم نقش رستم در استان در فرآیندی داستانی و در صحنه‌های عموماً معروف که مخاطب را به داستان‌های شاهنامه سوق

پادشاهی در بدو شروع حکومت خود و برای هنردوست نشانیدن خود به هنرمندان دستور کتابت و نگارگری یک شاهنامه نفیس را داده و آن را مایع شکوه و جلال دوران حکومت خود می‌دانست. ناگفته نماند که هنرمندان با توجه به شرایط محیط سیاسی و اجتماعی شاهنامه‌ای با سبک‌ها و فرهنگ‌های رایج زمان خویش تسلیم پادشاه می‌کردند. گواه این موضوع شاهنامه‌های دوران صفوی (شاهنامه مصور طهماسبی و رشیدا و ...) و قاجار (شاهنامه داوری، عماد الکتاب، قوام و ...) می‌باشد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۸). در هنر نگارگری شاهنامه در دوران متأخر، رستم با ریش دو شاخ به امری رایج و درباری تبدیل شده بود رستم با سبیل پر پشت و ریش دو شاخ به عنوان مشخصه‌ای جدید در چهره رستم بود. در برگ‌هایی از شاهنامه شاه تهماسب در صحنه‌ای که رستم در حال به پایین کشیدن خاقان چین با کمند از بالای فیل است، می‌توان همین مشخصات چهره‌ای را مشاهده نمود. در حالی که در روایت‌های فردوسی در شاهنامه از چهره‌ی رستم، بیتی را نمی‌توان یافت که به ریش دو شاخ رستم اشاره کند و حتی در تصاویر اولیه نیز همواره رستم را با ریشی معمولی تصویر کرده‌اند (جدول ۱). ریش دو شاخ همچون پوست پلنگ و سر دیو به مرور زمان به شمایل رستم اضافه شده و قدیمی‌ترین نمونه مستند آن از شاهنامه‌ی ابراهیم سلطان (۵۸۹۹.ق) در مکتب شیراز می‌باشد که در شاهنامه‌های هم‌عصرش یعنی شاهنامه بایسنقری و جوکی متعلق به مکتب

تصویر کاشی دیگری که در مطالعه حاضر بررسی شده است، متعلق به دوره سلجوقیان و ترسیم صحنه اژدهاکشی رستم است. در این نقش تأثیر پذیری از فرهنگ چین دیده می‌شود، زیرا سلجوقیان قبل از ورود به ایران در آسیای مرکزی مجاورت چین سکنی داشتند. در این کاشی ترسیم چهره و هیبت رستم متأثر از فرهنگ نگارگری چینی بوده و به منظور به تصویر کشیدن قدرت رستم، او را بزرگتر از اژدها به تصویر درآورده‌اند. در شاهنامه پهلوانان زیادی به جنگ اژدها رفته‌اند که حاکی از رشادت آنها بوده اما در این بین نقش رستم پر رنگ‌تر است. همراه داشتن باز شکاری و تربیت آن از جمله ویژگی‌های رستم در شاهنامه است که به سیاوش نیز می‌آموزد (تصویر ۵).

نمونه تصویر رستم در کاشی‌کاری‌های ارگ کریم-خانی متعلق به دوران زندیه نشان می‌دهد که نگارگری چهره و لباس رستم متأثر از فرهنگ آن دوره بوده و چهره رستم شباهت بسیاری سبک و سیاق آرایش مو و سیبیل مردمان آن دوره دارد. چهره رستم در کاشی‌کاری این دوره در برگیرنده ابروان نازک، گونه‌های گلگون، ریش نسبتاً بلند دو شاخه و سیبیل از بناگوش در رفته می‌باشد که نشان‌دهنده سبک نگارگری چهره دوران زندیه می‌باشد. همچنین در پوشش رستم از بعد از دوران صفوی از پر در کلاه خودها استفاده شده که طرحی مذهبی مشابه با نظامیان دوره صفوی دارد (تصویر ۶).

می‌دهد در قالب تک کاشی‌های تابلویی یا پیش بخاری‌ها و شومینه‌ها و میزهای تزئینی مرسوم در دوره قاجار می‌توان یافت (مکی نژاد، ۱۳۸۷، ۱۱۰: (تصویر ۱).

چهره رستم در کاشی‌های قبل از قاجار

تصویر شماره ۲ که متعلق سده هفتم درمورد داستان آمدن رستم بر سر چاه به منظور نجات بیژن است، این کاشی متعلق به دوره مغولان ایلخانی می‌باشد که در این تصویر رستم با چهره و لباس مغولی ترسیم شده که این امر به منظور مشروعیت بخشیدن به قدرت سیاسی ایلخانان به شمار می‌رفت. در این تصویر رستم بزرگ‌تر از بیژن به تصویر در آمده که نشان دهنده قدرت و پهلوانی رستم می‌باشد. بعدها مشابه همین نقش را در کاشی مربوط به دوره قاجار در تکیه معاون‌الملک با نشانه‌هایی بارز از جمله کلاه‌خود شاخ‌دار دیو نما، آستین‌های با نقش ببر و ریش دو شاخ مشاهده کرد که به رسم زمان قاجار اسامی شخصیت‌های نقش شده در کنار آنها نوشته شده است (شکل ۳). کمی قبل‌تر از کاشی مغولی در گلدانی مربوط به قرن ۴-۵ هجری نیز رستم در جریان داستان بیژن و منیژه بسیار عادی و همانند شخصیت‌های دیگر نقش شده است و طبق بیان قبل از رسوم نگارگری زمان خود ناشی شده است. حتی از لباس ببر بیان که از نشانه‌های اولیه شناخت نقش-مایه رستم بود نیز خبری نیست (تصویر ۴).

نقش رستم در کاشی‌های دوران قاجار

به طور کلی تمام تصاویر کاشی‌های قاجاری در طرحی با کادر ستاره‌ای ایرانی قاب بندی شده‌اند و چهار طرح لچکی با نقوش اسلیمی فیروزه‌ای رنگ و برجسته در اطراف ستاره موجود است. کادر بیرونی این کاشی‌ها معمولاً مستطیل، مربع و در مواردی نیز بیضی است (نیری شکاری و طاووسی، ۱۳۷۸: ۱۴۹). کاشی‌کاری در دوره قاجار بر خلاف دوره‌های قبل محدود به بنای مساجد، مزارها و خانقاه‌ها نماند؛ بلکه در کاخها، عمارت‌های اعیانی، دروازه‌های تزیینی شهرها و نهادهای دولتی نیز استفاده می‌شد (جباری و مراشی، ۱۳۹۲: ۶۱). حجم قابل توجهی از نقوش روی کاشی‌های قاجاری شامل موضوعات کهن و به‌ویژه تصاویر پادشاهان اسطوره‌ای و پادشاهان دوره‌های هخامنشی، سلوکی، اشکانی و ساسانی است که مطابق مندرجات شاهنامه فردوسی ذکر شده‌اند و نام هر یک از آنها در کنار تصویر پادشاه آمده است (زارعی و حیدری باباکمال، ۱۳۹۵: ۵۵). بنابراین با توجه به اینکه در شاهنامه فردوسی نقش رستم بسیار پررنگ‌تر از سایر قهرمانان ملی ایران است، لذا داستان زندگی رستم به عنوان پهلوانی اسطوره‌ای از ابتدای تولد تا پایان زندگی در افکار مردمان ایران زمین و به خصوص هنرمندان دوره قاجاری خیلی زیاد است. رستم با زندگی پر از حادثه در ابعاد مختلف از جمله تولد، رشد کردن، انتخاب اسب و لباس و ادوات جنگی

و...، عاشقی و ازدواج، مبارزه با پهلوانان سرزمین‌های دیگر و مهم‌تر از آن داستان تلخ مبارزه با فرزندش سهراب و کشتن نادانسته وی را داراست، پس زمینه وسیعی از نقوش و داستان‌های اسطوره‌ای وی در کاشی‌های دوران قاجار مرسوم می‌گردد. از جمله نجات بیژن از چاه، مبارزه با اشکبوس، مبارزه با خاقان چین، مبارزه با سهراب، هم‌نشینی وی با حضرت سلیمان و گاهی هم‌صحبتی با پادشاهان بزرگ و اسطوره‌ای ایران نقوش پر تکرار این دوره بر کاشی‌ها می‌باشند (تصویر ۱۲). بیشتر این داستان‌ها عمدتاً با انگیزه‌های آموزنده و نبرد خیر و شر و پیروزی خوبی بر پلیدی و قدرت نمایی و در نهایت مردمی بودن آنها انتخاب می‌شده است. نمونه‌های کاشی‌کاری‌های دوران قاجار با نقش رستم در تصاویر (۷الی ۱۱) نشان داده شده است که برمبنای این کاشی‌کاری‌ها می‌توان دریافت که در این دوره نیز ترسیم چهره و لباس رستم متأثر از جو زمانه بوده و چهره رستم مشابه شیوه ترسیم چهره شاهان قاجار به تصویر درآمده است. در تمامی این کاشیکاری‌ها از رنگ‌های مرسوم دوران قاجار استفاده شده است. چهره رستم در دوره قاجاریه نسبت به تصویر او در دوره زندیه متفاوت بوده و در این دوره چهره او به مشابه شیوه نگارگری قاجاریه که دربرگیرنده ابروان پُر و پیوندی، ریش بسیار بلند و سیبیل‌های از بناگوش در رفته می‌باشد. در ضمن نکته دیگر آن است که داستان‌های تکراری و اصولاً در بر دارنده مضمون مرتبط با فرهنگ و سیاست روز مورد

چهره رستم همانند سبک نگارگری چهره در این دوران بوده متأثر از فرهنگ ترسیم چهره پادشان قاجار می‌باشد. چهره رستم در این کاشی‌کاری، محزون به تصویر درآمده که مقصود نگارگر از این امر به تصویر درآوردن ناراحتی و حزن کشتن پسر به دست پدر و عاقبت داستان است. تصویر (۱۴) نیز دقیقاً همین داستان را بر کاشی در حمامی دیگر در دوران قاجار نشان می‌دهد. داستان دیگری که در کاشی‌کاری‌های دوران قاجاریه به چشم می‌خورد، نبرد رستم و اشکبوس و رزم با خاقان چین است که چهره رستم در این کاشی‌ها نیز همانند کاشی‌کاری‌های دیگر دوران قاجار متأثر از فرهنگ نگارگری آن دوران بوده و ویژگی چهره افراد قدرتمند آن دوران را داراست (تصاویر ۱۵ الی ۱۷). ریش دو شاخ و کلاه - خود دیو نما و در پس زمینه‌ای که بیشتر شبیه بزم‌گاه است تا رزم‌گاه و دشمنان مغلوب شده از زیبایی‌های نقش رستم در این کاشی‌کاری‌هاست. کاشی دیگر مورد بررسی مربوط به پیمان رستم و شنگل هندی می‌باشد که در تصویر (۱۸) ارائه شده است. شیوه ترسیم چهره رستم در این کاشی بر خلاف دیگر نقوش در زمینه‌ای پر گل و به سبک نمایش پادشاهان هخامنشی و دادن حلقه قدرت به شخصی است که کلاهی شبیه پادشاهان ساسانی بر سر دارد. در کنار هر شخصیت نیز اسم وی حک شده است. هیچ نشانه‌ی نگارگری از نقش رستم در این کاشی نمایش داده نشده و فقط به رقم نوشته هنرمند کاشی کار رستم شناسایی شده است. همچنین کاشی‌های

استقبال قرار گرفت. در ضمن بیشتر این نقوش، عمدتاً در کاشی‌کاری مکان‌های خاصی از معماری مثل سر درها، شاه نشین‌ها و گرمابه‌ها به کار می‌رفتند. در برخی از این کاشی‌ها، تصاویر به خاطر موضوع و یا بزرگ مقیاس بودن بر روی مجموعه‌ای از کاشی‌ها نقاشی شده و در برخی دیگر نیز به صورت نقاشی بر روی تک کاشی، مانند نمونه یک کاشی با صحنه رستم در حال مبارزه با دیوهای هفت خان است. در تمامی این کاشی‌ها رستم با ریش دوشاخ، پَر بر روی کلاه و پوششی مشابه با لباس رزم صفوی و قاجار به شکل ایستاده یا نشسته، شاخ دیوی را گرفته و او را مغلوب می‌کند. نمونه دیگر کاشی‌کاری دارای نقش رستم در سر در باغ ارم وجود دارد که متعلق به دوره قاجاریه بوده و به وضوح تفاوت در ترسیم چهره و لباس رستم در مقایسه با نمونه‌های دیگر دیده می‌شود و از این حیث در این دوران بسیار حائز اهمیت است. در این نمونه چهره و لباس رستم متفاوت‌تر و رسمی‌تر (درباری با پارچه ترمه مانند) ترسیم شده و چهره او با داشتن ریش بلند و ابروان پیوسته و گریزی به شکل عصای درباری در بالای نقش ناصرالدین شاه به تصویر درآمده است (تصویر ۱۲). کاشی‌کاری دیگری که در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفته است در تصویر (۱۳) نشان داده شده است. در این کاشی - کاری رنگ زرد بسیار مشهود بوده و بیانگر داستان نبرد رستم و سهراب بوده که به نوعی این دو بیانگر خیر و شر و دو اندیشه حاکم بر جهان می‌باشند.

تصاویر (۱۹-۲۴) متعلق به دوره متأخر قاجار توسط هنرمندان گمنام یا نامی آن عصر نقش شده است و تمامی نشانه‌های گفته شده را دارا هستند. در تصویر (۲۱) کاملاً مشخص است که قهرمان ملی یعنی رستم بسیار به چهره، پوشش و شیوه نشستن شاهان قاجار نزدیک است. در کاشی شماره (۲۳) که رستم رفته رفته اصالت ملی خود را از دست داده و شبیه چهره‌های اروپایی نقش شده که در آرشیو کاشی‌های شمس‌العماره قرار دارد. همچنین اشکبوس نیز مانند شاهان قاجاری تاجی پُر نقش بر سر دارد و شباهتی به لباس‌های میدان رزم ندارد. همچنین در کاشی شماره (۲۴) نیز تصویر رستم با جزئیات کاملاً فرنگی و به دور از هر مشخصاتی که قبلاً داشته در یکی از کاشی‌های موزه مقدم نقش شده است. نوشته کنار شخصیت همراه با نقش نبرد شیر و اژدها روند داستان هفت خان را کاملاً مشهود می‌کند. رستم نیز به شکل جوانی بدون محاسن و دو شاخ و کلاه دیوگون و لباس ببری و هیبت پهلوانی، بیشتر شاهزاده‌وار نقش شده است. در مورد جزئیات نقوش رستم و موضوعات به کار رفته در این زمینه بر روی هنر کاشی‌کاری دوره قاجاری به جدول شماره ۱ مراجعه شود.

تحلیل

تا قرن‌ها پس از اضمحلال شاهنشاهی ساسانی، هیچ حکومت ایرانی کاملاً مستقل را نمی‌شناسیم که بر سراسر ایران حکومت داشته باشد؛ تا اینکه این امر

در دوره صفویه محقق شد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۱). جیمز داون نوشته است: شاه اسماعیل آروزی خود را مبنی بر تشکیل حکومت واحد و یکپارچه در سراسر ایران را از شاهنامه فردوسی اخذ نموده است (داون، ۱۳۸۰: ۵۵۹). راجر سیوری در کتاب عصر صفوی پایه‌های قدرت خاندان صفوی را بر سه اصل استوار می‌داند: ۱. ایرانی بودن خاندان صفوی، ۲. رواج مذهب تشیع و رسمی کردن آن در ایران، ۳. تصوف صفویان (سیوری، ۱۳۷۲: ۲). بنابراین راز توجه شاهان صفوی به شاهنامه فردوسی به عنوان سند هویت بخش ایرانیان برای ایجاد انسجام ملی بود. لذا در دوره صفوی ما شاهد نقاشی‌های دلپذیری از میدانهای رزم و بزم شاهنامه و همچنین شاهنامه مصور شاه طهماسب هستیم (رستمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۳ و ۱۳۶). ایل قاجار در دوران پادشاهی سلسله صفویه مأمور حراست از مرزهای شمال شرقی ایران بودند و مداخله آنان در امور کشوری از زمان شاه طهماسب دوم صفوی با انتصاب فتحعلی خان قاجار به فرماندهی سپاه آن پادشاه آغاز شد. در زمان سلطنت نادر شاه افشار هرگونه فعالیت از قاجاریان سلب گردید. کریم خان زند هر چند که شورش قاجار را سرکوب کرد اما در ایام سلطنت خود در رتق و فتق امور مملکت با آقا محمدخان قاجار مشورت می‌کرد و لقب وی را "پیران ویسه" مشاور معروف افراسیاب در شاهنامه گذاشته بود (اعتماد السلطنه، ۱۳۴۹: ۱۲).. سلسله قاجار با تاجگذاری آقا محمدخان قاجار در سال

فتحعلی شاه بود و نقاشی این دوره در تداوم سنت غنی تصویرگری ایران به مرحله تازه‌ای با ویژگی‌های مختص به خود دست یافت (معین الدینی، ۱۳۹۴: ۱۲۱). تأکید هنر قاجار بر موضوعات مرسوم در هنر ایران باستان به منظور ایجاد اقتدار سیاسی شاهان قاجار با شاهان ایران باستان و مشروعیت بخشیدن به قدرت و حاکمیت دوره است (پنجه باشی و دولاب، ۱۳۹۷: ۱۰۹). در این دوره، کاشی‌کاران زیرمجموعه‌ای از طبقه نقاشان به شمار می‌آمدند و زیر نظر نقاش خانه همایونی کار می‌کردند. بنابراین نقوش کاشی‌ها برگرفته از نقاشی‌های این دوره است. کاشی‌کاری در دوره قاجار عموماً ادامه دهنده دوره قبل است اما از لحاظ کیفیت به دوره صفویه نمی‌رسد. یکی از ویژگی‌های تابلوهای کاشی‌کاری قاجار، جنبه کاربردی بودن آنها در فضاهای معماری است. کاشی‌کاری دوره قاجار برخلاف دوره‌های قبل محدود به بنای مساجد، مزارها و خانقاه‌ها نماند، بلکه در کاخ‌ها، عمارت‌های اعیانی، دروازه‌های تزئینی شهرها و نهادهای دولتی نیز استفاده می‌شد (زارعی و حیدری باباکمال، ۱۳۹۵: ۵۵-۵۴). در دوران قاجار، تصاویر کاشی‌ها با نوعی رنگ جدید صورتی، کشیده می‌شدند. روش‌های اجرایی شامل کاشی‌های هفت رنگ زیر لعابی می‌شده که گاهی با طرح‌های قالبی ترکیب می‌شد. در دوره قاجار، کاشی‌کاری با استفاده از هفت رنگ طیف خورشید، مشهور به کاشی‌های هفت رنگ، زیبایی و ابتکار تازه‌ای در کاشی‌کاری به وجود آورده است. توسعه

۱۱۷۴ هجری شمسی آغاز شد و پس از حکمرانی ۷ فروانروا با خلع احمد شاه در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی به پایان رسید (معین الدینی، ۱۳۹۴: ۱۲۳). آقا محمدخان قاجار، شاهنامه‌خوانی به نام میرزا اسدالله داشته که از خواص او محسوب می‌شده و هنگام سفر در شب‌ها، در حضور شاه شاهنامه می‌خواند (اعتماد السلطنه، ۱۳۴۹: ۱۴-۱۲). فتحعلی شاه که سعی کرد تا سیاست حکومت‌داری صفویان را ادامه دهد، در طول حکمرانی خود، دست به اقداماتی زد تا خود را به عنوان میراث‌دار شاهان باستانی ایران و ادامه دهنده راه آنها نشان دهد. در این بین درگیری ایران با دشمنان خارجی و دست اندازی آنها به مرزهای ایران، ضرورت توجه به هویت و حماسه-های ملی را در این دوره افزایش داد. بنابراین، توجه به هویت ملی و برانگیختن حس ملی ایرانیان با استفاده از شاهنامه فردوسی در جهت اعاده نهاد شاهی و حراست از مرزهای تاریخی ایران ضروری بود (آقازاده، ۱۳۹۵: ۱۱۳). به هر حال، پادشاهان قاجار با وجود بسیاری از بی‌تدبیری‌هایی که در اداره ایران داشتند، لیکن از امتیاز هنردوستی بهره داشتند. در این میان دو پادشاه قاجار یعنی فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه که بیش از دیگر شاهان قاجار نیز حکومت کردند، از حامیان و مروجان اصلی انواع هنر بودند تا جایی که سلیقه و نوع حمایت ایشان از هنر تا حد زیادی در سیر تحول هنر ایران پس از خود تأثیر گذاشت. در بین انواع هنرها، هنر تصویرگری و نقاشی دارای جایگاه ویژه‌ای در دربار

بود. در کاشی‌های به دست آمده از دوران ایلخانیان، ترسیم چهره رستم شباهت بسیاری به چهره مغولان داشته که این امر به دلیل جریان داشتن سبک نگارگری آن دوره می‌باشد. در این دوره تنها راه شناخت رستم، لباس با پوست ببر است که در شاهنامه بدان اشاره شده است. ترسیم چهره و شمایل رستم در کاشی‌کاری‌های دوران صفویه و زندیه به بعد دست‌خوش تغییراتی محسوس گشته و همان طور که جدول شماره ۱ و کاشی‌های شماره ۲۳ و ۲۴ نیز مشخص است، نقش رستم بیشتر به سمت و سوی نقوش شاهانه و درباری می‌رود. در کاشی‌های قاجاری، رستم دارای چشمانی خماری، چهره‌ای ظریف و شاهزاده وار با لباس‌هایی مشابه با لباس درباریان قاجاری است. بنابراین در دوران قاجار، روحیه ملی‌گرائی دوباره رشد کرد و آثار زیادی با چهره رستم در داستان‌های مختلف بر کاشی‌ها به وجود آمد. گویی که سربازی از ده‌ها شاهزاده قجری به جای سرقهرمان مجلس رزم چسبانده شده است و از لباس ببر نشان و کلاه دیو سر و محاسن دوشاخ و ابهت چهره هیچ خبری نیست و به سختی و در روند داستان نقش شده بر کاشی می‌توان آن را شناسایی کرد.

بنابراین با توجه به بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته در راستای پرسش‌های ارائه شده، می‌توان گفت که خصوصیات ظاهری و چهره رستم در دوران‌های مختلف پس از سروده شدن شاهنامه دست‌خوش تغییرات بسیاری شده است. یکی از

کاشی هفت رنگ را می‌توان ناشی از تحولات اقتصادی زمان دانست. این کاشی‌ها نقش و نگاره-های فراوانی داشتند که از دوره روکوکو اسپانیا تأثیر پذیرفته بودند. در دوره قاجار، کاربرد شیوه هفت رنگ همراه رنگ آمیزی زیر لعاب، روش غالب بوده است (پنجه باشی و دولاب، ۱۳۹۷: ۱۰۸-۱۰۷). هرچند که مضامین و نقوش کاشی‌کاری دوره قاجار دارای تنوع زیادی بوده است، اما یکی از نقش مایه-های پرکاربرد آن، داستان‌های نبرد رستم در شاهنامه است که به ویژه نبرد رستم با دیو سفید، نبرد رستم و کیکاووس، جنگ رستم و سهراب بوده است که در بناهای متعددی همانند کاخ موزه گلستان، دروازه دولت و دروازه نو تهران، حمام ابراهیم خان ظهیر الدوله کرمان و غیره به کار رفته است (رضایی انور، ۱۳۹۹: ۱۱۷. مومنی لندی و چیت‌سازیان، ۱۳۹۵: ۱۶). در این کاشی‌کاری‌ها به روشنی می‌توان چهره تغییر یافته پهلوان ایرانی را یافت که مشخصه‌های دوران قاجار (از جمله ریش دو شاخ، گرز با سر گاو و کلاه دیو و... را داراست.

نتیجه‌گیری

قدیمی‌ترین شواهد برای نشان دادن چهره رستم به عنوان نماد قهرمانی و سروری ایرانیان بر علیه بیگانگان به دوره سلجوقی و ایلخانی برمی‌گردد. در کاشی‌های قبل از دوران قاجار شمایل رستم نسبت به افراد و رقیب مقابل بسیار بزرگتر ترسیم شده و چهره او متأثر از فرهنگ رواج داشته در آن دوران

ریشه یابی و منبع یابی به اصل موضوع (چهره یابی رستم در شاهنامه) رسید که با رستم زمان قاجار بسیار متفاوت است.

منابع

۱. اسدپور، علی، ۱۳۹۹، مطالعه شمایل شناسانه نبرد رستم و دیو سپید در کاشی نگاره سر درارگ کریم خانی شیراز به روش اروین پانوفسکی، نشریه باغ نظر، دوره ۱۷، شماره ۸۶.
۲. اسکارچیا، جیان روبرتو، ۱۳۸۴، هنر صفوی، زند و قاجار، ترجمه یعقوب آژند، چاپ دوم، مولی، تهران.
۳. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، ۱۳۴۹. صدر التواریخ، به اهتمام محمد مشیری، تهران، انتشارات وحید.
۴. آقاخانی بیژنی، محمود، طغیانی، اسحاق و محمدی فشارکی، محسن. ۱۳۹۷. بررسی و تحلیل نمادشناسی نگاره‌های هفت خان رستم. متن پژوهی ادبی، ۲۲ (۷۷): ۲۱۱-۲۳۴.
۵. آقازاده، جعفر، ۱۳۹۵. اقدامات فتحعلیشاه قاجار برای کسب مشروعیت سیاسی براساس روشهای جاری در دوره اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال پنجاه و

مهمترین دلایل این امر اینست که فردوسی در بیت- های شاهنامه تصویر مشخصی از سیما و پیکر رستم نمی‌دهد و همین موجب شده تا نگارگران آزادی عمل بیشتری داشته و نسبت به فرهنگ و سبک نگارگری زمانه خود دست به تغییراتی در چهره و شمایل رستم در آثارشان بزنند. در دوره قاجار هنر کاشیکاری از کاربرد صرف در بناهای مذهبی دوره صفوی رهایی یافته و خلق نقوش بر روی آن به موضوعاتی متنوع تخصیص یافته است. نقش رستم در هنر کاشی‌کاری دوره قاجار در مقایسه با دوره- های قبلی بسیار بیشتر شده و مضامین پهلوانی و نبردهای رستم بسیار به کار رفته است. در دوران قاجار هنرمند کاشی‌کار و نگارگر به منظور نشان دادن قدرت، جلال و پهلوانی رستم از ویژگی‌های ظاهری مانند ریش بسیار بلند دو شاخه با البسه خاص مثل کلاه خود با شکل مجمله دیو یا وجود پرهای بلند و پوششی شبیه پادشان قاجار استفاده کرده است. همچنین داستان‌های تکراری با نقش رزم رستم با دیو سپید یا سهراب بیشتر دیده می‌شود که بیانگر مسایل سیاسی و اجتماعی روز و یا قدرت و شوکت جامعه ایرانی در بین ملل مختلف بوده است. لذا هرچه از زمان سرودن شاهنامه فاصله می‌گیریم نقش رستم با جزئیات بیشتر و دورتر از متن شاهنامه دیده می‌شود. درست است که بین هنر و ادبیات رابطه‌ی تنگاتنگی است اما گاهی هنر می‌تواند چهره ادبیات را در دوران مختلف براساس شرایط اجتماعی و اقتصادی متفاوت نشان دهد و سبب می‌شود که با

- تهران، انتشارات امیرکبیر، صفحات ۲۰۰-۱۲۳.
۱۱. پنجه باشی، الهه، دولاب، فاطمه، ۱۳۹۷. مطالعه ویژگی و ساختار نقوش سد در بناهای کاشی کاری شده در شیراز در دوره قاجار، فصلنامه علمی- پژوهشی نگره، شماره ۲۸، زمستان، ۱۲۵-۱۰۸.
۱۲. جباری، فاطمه و مرثی، محسن، ۱۳۹۲، مطالعه تطبیقی تصاویر نسخ سنگی و کاشیهای مصور دوره قاجار. نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، دوره ۱۸، شماره ۱، ۵۷-۶۸.
۱۳. جعفری بورا، جواد. ۱۳۹۵. بررسی شخصیت رستم در شاهنامه فردوسی. اسطوره های ایرانی و تاریخ، کنگره بین المللی زبان و ادبیات، مشهد، ۱-۱۱.
۱۴. حمیدی، بهمن، ۱۳۷۵، سه گفتار در مورد شاهنامه، تهران، انتشارات توسعه شماره ۳۲.
۱۵. حمیدیان، سعید، ۱۳۷۲، درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، تهران، نشر ناهید
۱۶. خزائی، محمد و محسن طیبی، ۱۳۸۳، صورت و معنا، کاشیکاری با موضوع عاشورا، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره اول، ۱۶۴-۱۵۲.
- سوم، دوره جدید، سال نهم، شماره یکم (پیاپی ۳۳)، دانشگاه اصفهان، ۱۲۶-۱۰۷.
۶. اوشیدری، جهانگیر، ۱۳۷۱، دانشنامه مزديسنا، تهران، نشر مرکز
۷. آیدنلو، سجاد، ۱۳۸۳. تأملاتی درباره منابع و شیوه کار فردوسی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۴۷، شماره مسلسل ۱۹۲، ۱۸۵-۱۴۷.
۸. بخش آبادی، سمیه و امیری علی اکبر خانی، مریم. ۱۳۹۵. هنر کاشی کاری در معماری ایرانی اسلامی. چهارمین کنگره علمی پژوهشی افق های نوین در حوزه مهندسی عمران، معماری، فرهنگ و مدیریت شهری ایران، تهران، ۱-۹.
۹. بهارلو، علیرضا، قاسمی، مرضیه، ۱۴۰۰، بازخوانی نقش و جایگاه رستم در کاشی نگاره های عصر قاجار با نگاهی بر سردر گذرگاه ها و بناها و نمونه های واحد، مجله نامه هنرهای تجسمی و کاربردی دوره ۱۴ شماره ۳۲.
۱۰. بیوار، ا. د. ه. ۱۳۸۹. تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانیان، در کتاب تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان (جلد سوم- بخش اول)، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، چاپ ششم،

۱۷. خلیلی محله، منیژه، کلانی، معصومه و سرمد، زهره. ۱۳۹۴. بررسی چهره کلیدی رستم در ادبیات ایران. همایش بین‌المللی تحقیق و نوآوری در هنر و علوم انسانی، موسسه سفیران فرهنگی مبین، ۱-۱۲.
۱۸. داون، جیمز، ۱۳۸۰. عارف دیهیم‌دار (شرح زندگانی شاه اسماعیل اول)، ترجمه ذبیح الله منصوری، جلد دوم، چاپ سزدهم، تهران، انتشارات سریر.
۱۹. رستمی، محسن، رازنهان، محمد حسن، بیاتی، هادی. ۱۳۹۹. شاهنامه انسجام بخش ایرانیان عهد صفویان، دو فصلنامه ادبیات پهلوانی، دانشگاه لرستان، سال چهارم، شماره هفتم، پاییز و زمستان، ۱۳۷-۱۲۷.
۲۰. رضائی انور، مریم. ۱۳۹۹. بررسی طرح در کاشی‌کاری دوره قاجار در تهران (مطالعه موردی: کاخ موزه گلستان)، نشریه علمی شباک، سال ششم، شماره ۳، (پیاپی ۵۴)، ۱۲۲-۱۱۳.
۲۱. روحانی، مهشید، ۱۳۸۴. شاهکارهای نگارگری ایران، چاپ اول تهران موزه هنرهای معاصر.
۲۲. زابلی نژاد، هدی، ۱۳۸۷، بررسی نقوش اصیل قاجاری، مجله هنر، شماره ۷۸، ۱۶۹-۱۴۰.
۲۳. زارعی، محمد ابراهیم و حیدری بابا کمال، یداله. ۱۳۹۵. تأملی بر تنوع مضامین هنری و منشأ کاشی‌های قاجاری تکیه معاون‌الملک کرمانشاه. هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، ۲۱ (۴): ۵۳-۶۴.
۲۴. سامانیان، صمد، میرعزیزی، محمود و صادقی‌پور فیروزآباد، ابوالفضل، ۱۳۹۳، بررسی مضامین تصویری کاشیهای نقش برجسته موجود در تالار اصلی کاخ موزه گلستان، نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، دوره ۱۹، شماره ۱، ۷۲-۵۹.
۲۵. سمسار، محمد حسن، سرائیان، فاطمه، ۱۳۸۶، سیمای تهران در سده ۱۳ و ۱۴ه.ق، جلد اول، تهران، نشر زریران
۲۶. سیف، هادی، ۱۳۷۶، نقاشی روی کاشی، سروش (انتشارات صدا و سیما)، تهران.
۲۷. سیوری، راجرز، ۱۳۷۲. ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز اسدی، نهران، انتشارات قطره.
۲۸. صفا، ذبیح الله، ۱۳۷۸، حماسه سرایی در ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر

- نگارینه هنر اسلامی، دوره سوم، شماره یازدهم، ۱۸-۴.
۳۶. نیری شکاری، جواد؛ طاووسی، محمود، ۱۳۸۷، کاشی قاجاری، ابداع نوینی از هنرهای کاربردی در معماری ایران، مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۴، ۱۴۰-۱۶۷.
۳۷. یارشاطر، احسان، ۱۳۸۹. تاریخ ملی ایران، در کتاب تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان (جلد سوم- بخش اول)، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، چاپ ششم، تهران، انتشارات امیرکبیر، صفحات ۵۹۲-۴۷۱.
- منابع عکس
۳۸. سمسار، محمد حسن، سرائیان، فاطمه، ۱۳۸۶، سیمای تهران در سده ۱۳ و ۱۴ه.ق، جلد اول، تهران، نشر زریان
۳۹. شاهکارهای نگارگری ایران، ۱۳۸۴، نویسنده جمعی از هنرمندان، تهران، انتشارات موزه هنرهای معاصر
۴۰. کامبخش فرد، سیف اله، ۱۳۷۹، سفال و سفالگری در ایران، انتشارات ققنوس، تهران.
۲۹. عقیقی، رحیم، ۱۳۷۴، اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته های پهلوی، تهران، انتشارات توس
۳۰. فردوسی ابوالقاسم، ۱۳۸۰، شاهنامه، چاپ اول تهران انتشارات اندیشه ی عالم.
۳۱. کزازی، میرجلال الدین، ۱۳۷۹، تاریخ باستان، تهران، انتشارات سمت.
۳۲. معین الدینی، محمد. ۱۳۹۴. بررسی رابطه بین حمایت فتحعلی شاه قاجار از هنر و استفاده سیاسی از آن، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره سی ام، ۱۱۷-۱۴۰.
۳۳. مکی نژاد، مهدی، ۱۳۸۷، ((کاشی کاران گمنام دوره قاجاریه(۱): استاد علی محمد اصفهانی))، گلستان هنر شماره ۱۳، صص ۱۱۲-۱۰۵
۳۴. موخواه، آذر. ۱۳۹۵. بررسی نقوش و مضامین کاشی های اسلامی دوره ی سلجوقی و ایلخانی. همایش ملی باستان شناسی و هنر سفال و سفالگری، میانه، ۱-۱۷.
۳۵. مومنی لندی، مهناز، چیت سزایان، امیر حسین. ۱۳۹۵. نگاهی بر عناصر نمادین کاشی نگاره های قاجار کرمان (مطالعه موردی ده اثر)، فصلنامه علمی- ترویجی

of Feirdausi, China, Philip Wilson Publishers.

46.-Hillenbrand, Robert. (2007), The Iconography of Islamic Art, Edin Burgh, Edin Burgh University Press.

47.-Lilly, William. (1958), Persian Miniatures, Tokyo, the Kenkyusha Printing Co.

48. www.asia.si.edu

49. www.pinterest.com

50. <https://collections.vam.ac.uk>

۴۱. گرابر اولک، ۱۳۸۳، مروی بر نگارگری

ایران، ترجمه: مهرداد وحدتی دانشمند چاپ

اول تهران فرهنگستان هنر

۴۲. مارزولف اوریش، ۱۳۹۰، تصویرسازی

داستانی در کتابهای چاپ سنگی فارسی،

ترجمه: شهروز مهاجر چاپ اول تهران نشر

نظر.

۴۳. مصطفوی، محمدتقی، ۱۳۶۱، مجموعه

مقالات باستان شناسی، گردآوری مهدی

صدری، تهران، انتشارات انجمن مفاخر

فرهنگی

۴۴. واتسون، آلیور، ۱۳۸۲، سفال زرین فام

ایرانی، شکوه ذاکری، چ اول، سروش،

تهران.

45.-Brend, Barbare, (2010), Muhammad Juki's Shahnameh





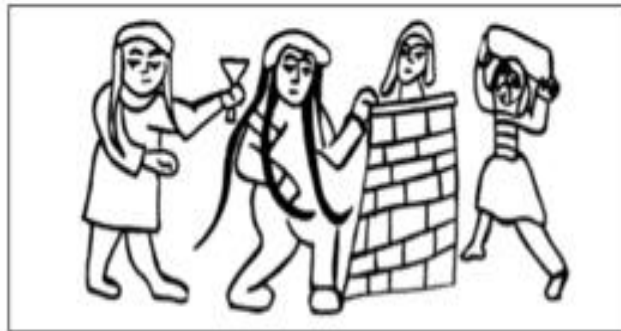
تصویر ۱. میز کاشی با ۹ قطعه با نقش شاهنامه . میز سرامیکی به قطر ۱۳۶ س.م. نقاشی با لعاب در ۹ مجلس به سفارش مرداک اسمیت. موزه ویکتوریا و آلبرت لندن. دو قطعه کاشی با نقش رستم یکی داستان مبارزه با اشکیوس(الف) و دیگری زاری بر پیکر سهراب(ب). عمل علی محمد اصفهانی (www.collections.vam.ac.uk)



تصویر ۳. نقش رستم و بیژن بر سرچاه. دوره قاجار تکیه عاون
مجموعه کایر (واتسون، ۱۳۸۲، ۱۷ .



تصویر ۲. کاشی با نقش رستم بر سرچاه،
الملک منبع: سایت pinterest.com



تصویر ۴. ردیف بالا: تصویر خطی و نقاشی صحنه دهم. خبر دار شدن رستم از دستگیری بیژن و نجات او

ردیف پایین: گلدان با داستان بیژن و منیژه. قرن ۴ه.ق موزه لوور (کامبخش، ۱۳۸۳: ۱۷۹)



تصویر ۵. کاشی با تصویر نبرد رستم و اژدها، (موزه هنر آسیایی اسمیتسونین، مجموعه فریر گالری واشنگتن)

منبع : www.asia.si.edu



تصویر ۶. کاشی کاری نبرد رستم و دیو سفید متعلق به دوره زندیه ترسیم شده بر ارگ کریمخانی (نگارنده)





تصویر ۷. بالا سمت راست: کاشی نقش برجسته نبرد رستم با دیو (موزه باکو، دوران قاجار) منبع (pinterest.com). تصویر ۸. بالا سمت چپ: سردر حمام حاج محمد جعفر حج فروش رشت متعلق به دوره قاجاریه، تصویر ۹. پایین سمت راست: ارگ قاجاری سمنان، تصویر ۱۰ پایین سمت چپ: نبرد رستم و دیو سپید. سر در دروازه تهران. منبع (مصطفوی، ۱۳۶۱: ۴۱۴).



شکل ۱۱. سردر سعادت تهران که در حال حاضر در ورزشگاه شیرودی قرار داشته و متعلق به دوره قاجاریه منبع (سمسار و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۵).



تصویر ۱۲. کاشی کاری صحنه دیدار رستم و حضرت سلیمان (سر در باغ ارم، دوران قاجار) منبع: نگارنده)



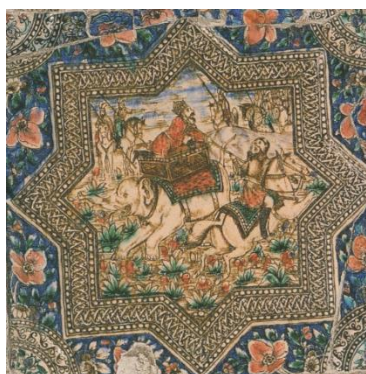
تصویر ۱۴. رزم رستم و سهراب. حمام ابراهیم
خان قاجار (منبع: نگارنده)



شکل ۱۳. کاشیکاری نبرد رستم و سهراب
(حمام وزیر کرمان، دوران قاجاریه) (منبع: نگارنده)



تصویر ۱۵. نبرد رستم و اشکیوس. خانه عطر فروش شیرازمنسوب به عبدالرزاق، دوران قاجار، (منبع: نگارنده)
تصویر ۱۶. تصویر کاشی نبرد رستم و خاقان چین خانه عطر فروش شیرازمنسوب به عبدالرزاق، (منبع: نگارنده)



تصویر ۱۷. نبرد رستم و خاقان چین در دوره قاجار. احتمالاً عمل علی محمد اصفهانی (منبع: نگارنده)



شکل ۱۸. کاشی نقش برجسته پیمان رستم و شنگل هندی (مجموعه خصوصی، دوران قاجار) (منبع: www.pinterest.com)



تصویر ۱۹. سمت راست: پادشاهی کیخسرو، کاشی زیرلعابی رنگارنگ، کیخسرو نشسته بر تخت به همراه زال، بهرام، گودرز، گیو و رستم، سده ۱۹ (ابعاد ۵۹,۵ در ۵۲ سانتی متر)، مجموعه ی خصوصی مزایده ی بن هانس تصویر ۲۰، سمت چپ: میز کاشی کاری متعلق به زمان قاجار. منسوب به علی محمد اصفهانی. موزه آبگینه و سفالینه تهران، (منبع: نگارنده)

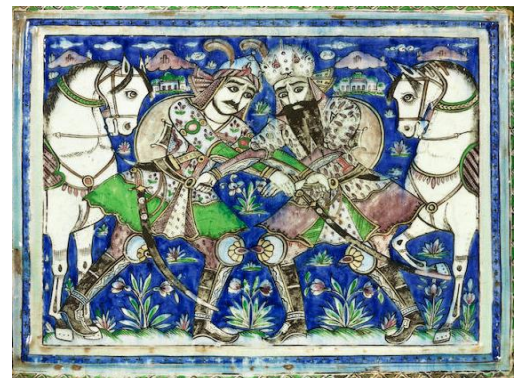


الف:



ب:

تصویر ۲۱- مقایسه نقوش رستم با نقاشی فتحعلی شاه قاجار. الف: سبک چهره یکسان رستم و شاه قاجار. ب: سبک نشستن و اندام یکسان در نگاره رستم و شاه قاجار



تصویر ۲۲. سمت راست: کاشی با نقاشی برجسته زیر لعاب. نقش مبارزه رستم و سهراب، (ابعاد ۵۲.۵ x ۴۳.۵ سانتیمتر) دوران قاجار. حراجی لندن. در ۱۸ اکتبر ۲۰۰۹، فروخته شده به مبلغ ۵۴۰۰۰ پوند.


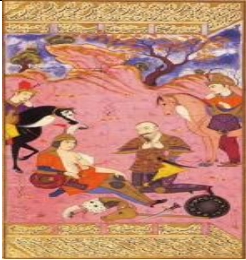

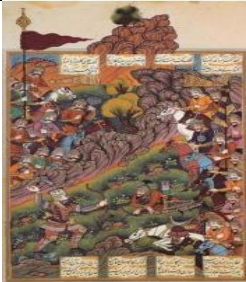


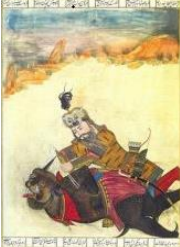


تصویر ۲۳. سمت چپ: نبرد رستم و اشکیوس. منسوب به استاد علیرضا قوللرآقاسی. نیمه دوم قرن سیزده. عمارت شمس العماره تهران. (منبع: نگارنده).



تصویر ۲۴. رزم رستم در هفت خان رستم. کاشی هفت رنگ لعابدار. زمان قاجار. خانه موزه مقدم. (منبع: نگارنده)

جدول شماره ۱- نقش مایه های شمایل نگاری در طول تاریخ در نگارگری

ردیف	نگاره	توضیحات	نگاره رستم	تن پوش پوست ببر	کلاه خود ببرین	ریش دو شاخه	پیر و شاخ بر کلاه خود	آستین ببر شکل	کلاه خود جمجمه دیو	گوزن گاو سر
۱		(نبرد رستم و دیو سفید) شاهنامه تبریز ۷۴۰-۶۹۹ ه.ق موزه هنر سین سیناتی مآخذ: Lilly, ۱۹۵۸		*						
۲		(نبرد رستم و اسفندیار) شاهنامه دموت تبریز ۷۳۵ ه.ق موزه آرتور ام.سکلر مآخذ: گرابر ۱۳۸۳		*						
۳		(نبرد رستم و اشکبوس) شاهنامه شیراز (آل اینجو) ۷۴۱ ه.ق گالری هنر فریبر واشینگتون دی سی مآخذ: Lilly ۱۹۵۸		*						
۴		(رزم رستم و الکوس) شاهنامه هند ۸۲۵-۵۳ ه.ق موزه گویمت پاریس								
۵		(رزم رستم و دیو سفید) شاهنامه بخارا ۸۴۵ - ۵۵ ه.ق مآخذ: Hillenbrand, ۲۰۰۷		*						
۶		(کشتن رستم پیل سپید را) شاهنامه قزوین یا مشهد ۹۷۷ ه.ق موزه بریتانیا مآخذ: شاهکارهای نگارگری ۱۳۸۴		*	*					*

*				* * *		<p>(کشتن سهراب به دست رستم) شاهنامه اصفهان ۱۰۵۹. ق. موزه بریتانیا مآخذ: ۱۹۵۸, Lilly</p>		۷
			* * *	* * *		<p>(کشتن رستم اشکیوس را) شاهنامه رشیدا اصفهان ۱۰۷۷. ق. کاخ گلستان مآخذ: شاهکارهای نگارگری ۱۳۸۴</p>		۸
	*	*	* * *	* * *		<p>شاهنامه قاجاری در مکتب تهران ۱۱۹۰. ق. موزه ملک</p>		۹
			* * *	* * *		<p>(بستن رستم دیو سیاه را) شاهنامه هند ۱۲۱۵-۱۱۹۵. ق. موزه بریتانیا مآخذ: Brend ۲۰۱۰,</p>		۱۰
*	*		* * *	* * *		<p>کشتن رستم دیو سفید را» تک داستان سلطنت کیکاوس و رستم شاهنامه چاپ سنگی تهران بعد از ۱۸۴۷. ق. کتابخانه ی بنیاد میراث پروس در برلین مآخذ: مارزلف ۱۳۹۰</p>		۱۱